



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۴۴	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۲۳
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	حجیت مطلق الظن				
عنوان ۳	مطلب دوم: امتناع یا عدم امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۴	اسباب امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۵	سبب دوم: تنافی حکم واقعی و حکم ظاهری				

بحث ما در امکان یا عدم امکان جعل حجیت برای اماره غیر علمی بود و گفتیم اگر وجهی برای امتناع جعل حجیت برای غیر علم وجود داشته باشد؛ یکی از این دو وجه است:

وجه اول تعارض جعل حجیت برای غیر علم با حکم عقل بود که این حکم عقل، یا حکم عقل به حق الطاعة است و یا حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان. این وجه را مورد بررسی قرار داده و نتیجه این شد که جعل حجیت برای غیر علم نه با حکم عقل به حق الطاعة تعارض دارد و نه با حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان؛ به توضیحی که بیان شد.

سبب دوم: تنافی حکم واقعی و حکم ظاهری

وجه دوم برای امتناع، تنافی بین حکم ظاهری و حکم واقعی است؛ یعنی اگر اماره حجیت قرار بگیرد، از این نظر که اماره ظنی است، احتمال مخالفت آن با واقع وجود دارد (یعنی ممکن است اماره ظنیه بگوید واجب نیست؛ اما در حقیقت واجب باشد) و این موجب تنافی با حکم واقعی می شود.

این سبب احتیاج به تبیین دارد که چگونه جعل حجیت برای اماره ظنیه موجب تنافی حکم ظاهری با حکم واقعی می شود که در حقیقت این همان بحث جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری است. بحث جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری از اینجا شروع می شود که آیا جعل حجیت برای اماره غیر علمیه ممکن است یا خیر. اینکه این تنافی از نظر عقلی ممنوع است، احتیاج به بیان دارد که چگونه این تنافی، ممنوع است.

سه وجه برای ممنوعیت عقلی جعل حجیت برای اماره از باب تنافی با حکم واقعی وجود دارد که دو وجه از این وجوه مربوط به امتناع بر اساس حکم عقل نظری است و یک وجه مبتنی بر اساس حکم عقل عملی است. آن دو وجهی که مربوط به عقل نظری است، یک وجهش مبتنی بر اجتماع مثلیین یا ضدین است و وجه دیگرش مبتنی بر تفکیک بین علت و معلول می شود؛ که امتناع این دو وجه، مبتنی بر عقل نظری است.

وجه اول: امتناع ناشی از اجتماع مثلیین یا ضدین

جعل حجیت برای ظن، موجب اجتماع مثلیین یا ضدین می شود. توضیح آنکه: اگر مؤدای اماره ظنی که به عنوان حجت جعل می شود، موافق با حکم واقعی باشد؛ مثلاً حکم واقعی وجوب بود و اماره ظنیه نیز دال بر وجوب بود؛ در این صورت موجب اجتماع المثلیین می شود و اجتماع المثلیین محال است. اگر مؤدای اماره ظنی که به عنوان حجت جعل می شود، مخالف با حکم واقعی باشد (که در گذشته گفتیم نسبت احکام خمس به یکدیگر تضاد است)؛ مثلاً حکم واقعی وجوب است و اماره ظنیه بر اباحه یا حرمت قائم شود؛ در این صورت، اجتماع ضدین لازم می آید.

وجه دوم: امتناع ناشی از تفکیک بین علت و معلول

ما معتقدیم که احکام خدای متعال، عبثی و بدون غرض نیست؛ زیرا خداوند حکیم است و فعل حکیم، بدون غرض تحقق پیدا نمی کند. مثلاً اگر حکم واقعی وجوب است، شارع از این وجوب غرضی دارد؛ آنوقت حکم ظاهری بر اباحه یا حرمت قائم می شود؛ این موجب می شود که غرضی که مولا از جعل حکم دارد، تحقق پیدا نکند؛ زیرا حکم واقعی با جعل حجیت برای امامره از بین نمی رود. مثلاً وجوب در واقع از بین نمی رود. اما وقتی حکم ظاهری بر حرمت قائم شد، موجب آن می شود که مکلف به آن وجوب واقعی عمل نکرده و به این حرمت ظاهری عمل کند؛ نتیجه این می شود که حکم باشد، اما غرض نباشد؛ مگر اینکه قائل به تصویب شویم که بگوییم حکم واقعی از بین می رود که ما قائل به آن نیستیم؛ لذا در موارد حکم ظاهری، حکم واقعی از بین نمی رود اما غرض از بین می رود؛ لذا موجب تفکیک بین علت و معلول می شود؛ زیرا غرض غلت غایی جعل حکم است و علت غایی یکی از اجزای علت وجود فعل اختیاری است. بنابراین معنای جعل حکم ظاهری این است که شارع خود به وسیله جعل حجیت برای حکم ظاهری، حکم واقعی خود را حکم واقعی خالی از غرض قرار دهد؛ زیرا حکم وجود دارد اما غرض وجود ندارد. به عبارت دیگر: مکلفی که می خواهد به اماره عمل کند، حکم واقعی دارد؛ و شارع با جعل حجیت برای اماره، موجب تفکیک حکم واقعی با غرض آن می شود؛ زیرا اگر جعل حجیت برای اماره نبود، مکلف موظف بود احتیاط کرده و به تمام احتمالات عمل کند تا به غرض مولا برسد؛ اما شارع با جعل حجیت برای اماره، می گوید لازم نیست تحصیل به حکم واقعی کنی و می توانی به این حکم ظاهری عمل کنی.

وجه سوم: امتناع ناشی از تفویت مصلحت یا الغای در مفسده

وجه سوم، امتناع بر اساس حکم عقل عملی است. حکم واقعی بر اساس مصالح و مفاسد تنظیم می شود؛ در صورتی که حکم ظاهری بر خلاف حکم واقعی باشد، اگر آن حکم واقعی وجوب باشد، موجب تفویت آن مصلحت واقعی بر مکلف می شود و اگر آن حکم واقعی حرمت باشد، الغای در مفسده است و تفویت مصلحت واقعی و الغای در مفسده عقلاً قبیح است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهیین